

ما از عدالت سهمی داریم سازمان حقوق بشر ایران

سال ششم شماره ۱۴۴

۱۰ فروردین ۱۴۰۰ / ۳۰ مارس ۲۰۲۱



محیط بانان و قوانین ایران



در این شماره می‌خوانید:

ساعات کار طولانی، خستگی محیط‌بان و خطای احتمالی در استفاده از اسلحه

فقدان قوانین حمایتی از محیط‌بانان در ایران

وضعیت شکننده حیات وحش ایران و شکار غیرقانونی

کشته شدن محیط‌بان‌ها و شکارچی‌ها، دوگانه قدیس - ابلیس

نقض حقوق و قوانین محیط‌زیستی و نبود آموزش و فرهنگ مناسب

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: نیره انصاری و علی اصغر فریدی (تمام مصاحبه‌ها)

صفحه بندی: ماهور خوش‌قدم

تصویر روی جلد: سنگ‌نگاره شکار از طاق بستان در کرمانشاه

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است!

یادداشت‌هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می‌شود نظر شخصی آنان است
و دیدگاه مجله حقوق ما نیست.

ساعات کار طولانی، خستگی محیط‌بان و خطای احتمالی در استفاده از اسلحه



علی‌اصغر فریدی

طاطایی حقوق‌دان و وکیل پایه یک دادگستری گفت‌وگویی انجام داده که مشروح آن در زیر آمده است.

آقای طاطایی، در قانون وظیفه محیط‌بان چگونه مشخص شده و با توجه به اینکه، محیط‌بان‌ها به دلیل شرایط کاری مسلح هستند، از نظر قوانین استخدامی در کدام مجموعه دولتی جایی می‌گیرند؟

اجازه بدهید بدواً به روند تاریخی قانونگذاری در خصوص حفاظت از محیط زیست و حیات وحش اشاره مختصری داشته باشم.

در اردیبهشت ۱۳۰۷ اولین قانون در باب شکار و صید تدوین و تصویب شد. متعاقباً در اسفند ۱۳۳۵ مقررات مستقل و نسبتاً جامعی (به فراخور زمان تصویب) در زمینه حفاظت از حیات وحش به تصویب مجلس وقت رسید. در نتیجه‌ی اجرای این قانون، کانون شکار و صید تشکیل گردید که اعضاء آن را تعدادی از افراد علاقه‌مند به شکار و صید تشکیل می‌دادند. به منظور اجرای قوانین تدوین شده وزیر کشور و رئیس ستاد ارتش وقت نیز به عضویت کانون مذکور درآمدند.

در خرداد ۱۳۴۶ در اجرای قانون صید و شکار، سازمان شکاربانی و نظارت بر صید، جایگزین کانون شکار شد و این سازمان رسماً به عنوان یک دستگاه مستقل دولتی فعالیت

محیط‌بان‌ها، کسانی که برای حفاظت و کنترل عرصه‌های طبیعی و حیات وحش تلاش می‌کنند، درآمد پایین و کار سختی دارند. از طرفی حقوق و پشتیبانی قانونی از آنها، متناسب با زحماتشان نیست. آن‌ها همچنین از خانواده‌هایشان دور هستند و باید در برابر شکارچیان غیرقانونی باید ایستادگی کنند. این ایستادگی در برخی موارد هم به قیمت از دست دادن جان‌شان تمام می‌شود.

محیط‌بانان از سوی سازمان حفاظت محیط زیست استخدام می‌شوند و از نظر قوانین استخدامی، کارمند دولت محسوب می‌شوند اما با توجه به شرایط کاری، وضعیتی شبیه به نیروهای انتظامی یا شبه نظامی دارند.

اگرچه اغلب محیط‌بان‌ها مسلح هستند، در برخی موارد شکارچیان غیرمجاز، بی‌مهابا به آنها شلیک می‌کنند. اما محیط‌بان‌ها به دلیل خلا قانونی و اما و اگرهای فراوان، در درگیری‌های میدانی با شکارچیان غیرمجاز در استفاده از اسلحه برای دفاع از خود دچار شک و تردید می‌شوند.

برای بحث در مورد وضعیت و جایگاه قانونی محیط‌بانان و همچنین نقض‌های قانونی که باعث کشته شدن آنها توسط شکارچیان غیرمجاز می‌شود، مجله حقوق ما، با مازیار

خود را با آموزش شکاربانان در سطح کشور آغاز کرد. در سال ۱۳۵۰ سازمان شکاربانی به سازمان محیط زیست تغییر نام داد و عهده‌دار مسایل محیط زیست کشور شد و همکاری خود را با سازمان‌های بین‌المللی گسترش داد. در پی کنفرانس جهانی محیط زیست در استکهلم در سال ۱۳۵۳ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست به تصویب رسید که این قانون در سال ۱۳۷۱ این قانون مورد بازبینی قرار گرفته و اصلاح شد.

از آنچه که در قانون وظایف سازمان بطور کلی ذکر شده بود، در اجرای ماده ۲۱ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، آئین نامه اجرایی قانون به تصویب رسید که فصل ششم از این آئین نامه به گارد محیط زیست اختصاص دارد. مطابق ماده ۲۷ این آئین نامه گارد محیط زیست متشکل است از محیط‌بان و محیط‌دار که هر یک دارای درجات و علایم مشخصی می‌باشند. همچنین مطابق ماده ۳۰ آئین نامه، کلیه امور استخدامی گارد محیط زیست از قبیل تعیین درجات، شرایط ارتقاء و مقررات انضباطی در آئین نامه استخدامی سازمان تعیین خواهد شد. در همین فصل آموزش گارد محیط زیست بر عهده سازمان محیط زیست قرار داده شده است و اجازه داده شده است که با موافقت وزارت دفاع سلاح مناسب در اختیار گارد محیط زیست قرار گیرد.

در راستای انجام تکالیف قانونی، سازمان حفاظت محیط زیست طبق استانداردهای بین‌المللی مناطقی را تحت عنوان مناطق چهارگانه که عبارت از منطقه حفاظت شده، پناهگاه حیات وحش، اثر طبیعی ملی و پارک ملی هستند، را شناسایی و تحت عنوان مناطق حفاظت شده تعیین و مورد حفاظت قرار داد. مجموع مناطقی که در حال حاضر تحت یکی از نامهای فوق مورد حفاظت قرار دارند، بالغ بر ۱۵۰ منطقه است.

در نتیجه طبق مقررات تصویب شده حفاظت از مناطق مذکور توسط گارد حفاظت محیط زیست قرار گرفت. تذکر این نکته ضروری است که در ماده ۱۵ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، مأمورین سازمان محیط زیست که از طرف سازمان مذکور مامور کشف و تعقیب جرایم مذکور در این قانون می‌شوند، به شرط آنکه تحت نظارت دادستان در خصوص وظایف ضابطین قضائی آموزش دیده باشند، ضابط قضائی محسوب می‌گردند.

با توجه به مرتب فوق بطور خلاصه در پاسخ به سوال مطروحه باید گفت با توجه به ماده ۳۰ از آئین نامه اجرایی قانون حفاظتی خود را با آموزش شکاربانان در سطح کشور آغاز کرد. در سال ۱۳۵۰ سازمان شکاربانی به سازمان محیط زیست تغییر نام داد و عهده‌دار مسایل محیط زیست کشور شد و همکاری خود را با سازمان‌های بین‌المللی گسترش داد. در پی کنفرانس جهانی محیط زیست در استکهلم در سال ۱۳۵۳ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست به تصویب رسید که این قانون در سال ۱۳۷۱ این قانون مورد بازبینی قرار گرفته و اصلاح شد.

از آنچه که در قانون وظایف سازمان بطور کلی ذکر شده بود، در اجرای ماده ۲۱ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، آئین نامه اجرایی قانون به تصویب رسید که فصل ششم از این آئین نامه به گارد محیط زیست اختصاص دارد. مطابق ماده ۲۷ این آئین نامه گارد محیط زیست متشکل است از محیط‌بان و محیط‌دار که هر یک دارای درجات و علایم مشخصی می‌باشند. همچنین مطابق ماده ۳۰ آئین نامه، کلیه امور استخدامی گارد محیط زیست از قبیل تعیین درجات، شرایط ارتقاء و مقررات انضباطی در آئین نامه استخدامی سازمان تعیین خواهد شد. در همین فصل آموزش گارد محیط زیست بر عهده سازمان محیط زیست قرار داده شده است و اجازه داده شده است که با موافقت وزارت دفاع سلاح مناسب در اختیار گارد محیط زیست قرار گیرد.

در راستای انجام تکالیف قانونی، سازمان حفاظت محیط زیست طبق استانداردهای بین‌المللی مناطقی را تحت عنوان مناطق چهارگانه که عبارت از منطقه حفاظت شده، پناهگاه حیات وحش، اثر طبیعی ملی و پارک ملی هستند، را شناسایی و تحت عنوان مناطق حفاظت شده تعیین و مورد حفاظت قرار داد. مجموع مناطقی که در حال حاضر تحت یکی از نامهای فوق مورد حفاظت قرار دارند، بالغ بر ۱۵۰ منطقه است.

در نتیجه طبق مقررات تصویب شده حفاظت از مناطق مذکور توسط گارد حفاظت محیط زیست قرار گرفت. تذکر این نکته ضروری است که در ماده ۱۵ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، مأمورین سازمان محیط زیست که از طرف سازمان مذکور مامور کشف و تعقیب جرایم مذکور در این قانون می‌شوند، به شرط آنکه تحت نظارت دادستان در خصوص وظایف ضابطین قضائی آموزش دیده باشند، ضابط قضائی محسوب می‌گردند.

با توجه به مرتب فوق بطور خلاصه در پاسخ به سوال مطروحه باید گفت با توجه به ماده ۳۰ از آئین نامه اجرایی قانون حفاظتی خود را با آموزش شکاربانان در سطح کشور آغاز کرد. در سال ۱۳۵۰ سازمان شکاربانی به سازمان محیط زیست تغییر نام داد و عهده‌دار مسایل محیط زیست کشور شد و همکاری خود را با سازمان‌های بین‌المللی گسترش داد. در پی کنفرانس جهانی محیط زیست در استکهلم در سال ۱۳۵۳ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست به تصویب رسید که این قانون در سال ۱۳۷۱ این قانون مورد بازبینی قرار گرفته و اصلاح شد.

از آنچه که در قانون وظایف سازمان بطور کلی ذکر شده بود، در اجرای ماده ۲۱ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، آئین نامه اجرایی قانون به تصویب رسید که فصل ششم از این آئین نامه به گارد محیط زیست اختصاص دارد. مطابق ماده ۲۷ این آئین نامه گارد محیط زیست متشکل است از محیط‌بان و محیط‌دار که هر یک دارای درجات و علایم مشخصی می‌باشند. همچنین مطابق ماده ۳۰ آئین نامه، کلیه امور استخدامی گارد محیط زیست از قبیل تعیین درجات، شرایط ارتقاء و مقررات انضباطی در آئین نامه استخدامی سازمان تعیین خواهد شد. در همین فصل آموزش گارد محیط زیست بر عهده سازمان محیط زیست قرار داده شده است و اجازه داده شده است که با موافقت وزارت دفاع سلاح مناسب در اختیار گارد محیط زیست قرار گیرد.

در راستای انجام تکالیف قانونی، سازمان حفاظت محیط زیست طبق استانداردهای بین‌المللی مناطقی را تحت عنوان مناطق چهارگانه که عبارت از منطقه حفاظت شده، پناهگاه حیات وحش، اثر طبیعی ملی و پارک ملی هستند، را شناسایی و تحت عنوان مناطق حفاظت شده تعیین و مورد حفاظت قرار داد. مجموع مناطقی که در حال حاضر تحت یکی از نامهای فوق مورد حفاظت قرار دارند، بالغ بر ۱۵۰ منطقه است.

در نتیجه طبق مقررات تصویب شده حفاظت از مناطق مذکور توسط گارد حفاظت محیط زیست قرار گرفت. تذکر این نکته ضروری است که در ماده ۱۵ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، مأمورین سازمان محیط زیست که از طرف سازمان مذکور مامور کشف و تعقیب جرایم مذکور در این قانون می‌شوند، به شرط آنکه تحت نظارت دادستان در خصوص وظایف ضابطین قضائی آموزش دیده باشند، ضابط قضائی محسوب می‌گردند.

با توجه به مرتب فوق بطور خلاصه در پاسخ به سوال مطروحه باید گفت با توجه به ماده ۳۰ از آئین نامه اجرایی قانون حفاظتی خود را با آموزش شکاربانان در سطح کشور آغاز کرد. در سال ۱۳۵۰ سازمان شکاربانی به سازمان محیط زیست تغییر نام داد و عهده‌دار مسایل محیط زیست کشور شد و همکاری خود را با سازمان‌های بین‌المللی گسترش داد. در پی کنفرانس جهانی محیط زیست در استکهلم در سال ۱۳۵۳ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست به تصویب رسید که این قانون در سال ۱۳۷۱ این قانون مورد بازبینی قرار گرفته و اصلاح شد.



تجهیزات روزآمد است که به شرحی که به عرض خواهد رسید، محیط بانان از برخورداری از این تجهیزات محروم هستند و تعداد محیط بانان با استانداردهای بین‌المللی تناسب ندارد.

محیط بانان در چه شرایطی و علیه چه کسانی می‌توانند از اسلحه استفاده کنند؟ همچنان آنها چه محدودیت‌هایی در استفاده از اسلحه دارند؟

اگرچه مطابق ماده ۲۷ از دستورالعمل خدمتی گارد محیط زیست، آن دسته از مأمورین سازمان که ضابط دادگستری می‌باشند صرفاً هنگام انجام وظایف قانونی و در اجرای مأموریت‌های محوله برای کشف و تعقیب جرایم مصرح در قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست در شمار نیروهای مسلح موضوع ماده یک «قانون بکارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری» محسوب و در چارچوب و موازین دقیق قانون مذکور حق استفاده از اسلحه سازمانی را دارند،

مع الوصف، نحوه بکارگیری سلاح توسط محیط بانان تا قبل از سال ۱۳۹۹ از خلاءهای بسیاری برخوردار بود. به عبارت ساده، استفاده از سلاح نه تنها جنبه پیشگیرانه نداشته بلکه تنها در مقام دفاع مشروع و آنهم در شرایطی که محیط بان مورد حمله توسط متخلف قرار گیرد امکان استفاده از سلاح وجود داشت. از آنجا که اثبات دفاع مشروع، امری بسیار دشوار است، به همین دلیل در موارد عدیده‌ای مشاهده شد که محیط بانانی که از سلاح استفاده کرده بودند و این امر منجر به فوت یا ورود صدمه بدنی به شخص شده بود، به قصاص و یا پرداخت دیه و حبس‌های میان مدت و یا طولانی مدت محکوم شدند. این شرایط محیط بانان را در شرایط بسیار سختی جهت استفاده از سلاح قرار می‌داد و عملاً متخلفین با آگاهی از این موضوع، با خیالی آسوده به اقدامات خلاف قانون خود و آسیب به محیط زیست ادامه می‌دادند.

از یک طرف با توجه به محدودیت بکارگیری سلاح برای محیط بانان و از طرف دیگر جزی شدن متخلفین ناشی از این محدودیت، در سال ۱۳۹۵ ناشی از درخواست فعالین محیط زیست و شناساسی آسیب از طرف سازمان محیط زیست، دولت لایحه حمایت قضائی و بیمه‌ای از یگان حفاظت تهیه و به مجلس ارائه نمود. بررسی و تصویب این لایحه نزدیک به ۴ سال طول کشید و نهایتاً پس از حک و اصلاحات متعدد این

می‌آورند ولی اوضاع و احوال طوری باشد که بدون بکارگیری سلاح مدافعه شخصی امکان نداشته باشد.

در صورتی که مأمورین مذکور مشاهده کنند که یک یا چند نفر مورد حمله واقع شده و جان آنان در خطر است.

برای دستگیری سارق و قاطع‌الطریق و کسی که اقدام به ترور و یا تخریب و یا انفجار نموده و در حال فرار باشد.

در موردی که شخص بازداشت شده یا زندانی از بازداشتگاه یا زندان و یا در حال انتقال فرار نماید، از اقدامات دیگر برای دستگیری و یا توقیف وی استفاده کرده و ثمری نبخشیده باشد.

برای حفظ اماکن انتظامی (مقرنیروهای انتظامی از قبیل مرکز فرماندهی، ستاد، پاسگاه، پایگاه، انبار سلاح یا مهمات و مرکز آموزشی).

برای حفظ سلاحی که جهت انجام مأموریت در اختیار آنان می‌باشد.

برای حفظ اماکن طبقه‌بندی شده بویژه اماکن حیاتی و حساس در مقابل هرگونه هجوم و حمله جهت ترور، تخریب، آتش‌سوزی، غارت اسناد و اموال، گروگان‌گیری و اشغال.

برای جلوگیری و مقابله با اشخاصی که از مرزهای غیر مجاز قصد ورود و یا خروج را داشته و به اخطار مأمورین مرزبانی توجه نمی‌نمایند.

برای حفظ تأسیسات، تجهیزات و اماکن نظامی و انتظامی و امنیتی.

همانگونه که ملاحظه می‌گردد، از موارد ۱ و ۲ و ۳ علیرغم اینکه در قانون حمایت قضائی از محیط بانان آمده است تنها در بند یک قابلیت اعمال دارد و از آنجا که اثبات دفاع از خود امری به شدت دشوار است، می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که محیط بانان از همان محدودیت‌های سابق برای استفاده از سلاح برخوردار هستند. تذکر این نکته ضروری است که متخلفین معمولاً از سلاح‌های پیشرفته و دوربین دار استفاده می‌کنند و از راه دور نیز امکان تیراندازی به محیط بان را دارند و به همین دلیل اثبات دفاع از خود عملاً امری محال خواهد بود.

هر از چندگاهی در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی می‌خوانیم یا می‌شنویم که یک محیط بان توسط شکارچیان کشته شده است، چه خلاء قانونی وجود دارد که شکارچی به خودش

کشنده، امکان متوقف نمودن و یا دستگیری متخلف وجود نداشته باشد. با توجه به مراتب ضروری است اجمالاً نگاهی به قانون اخیرالذکر داشته باشیم.

مطابق ماده ۳ قانون نحوه بکارگیری سلاح در موارد ضروری، مأمورین انتظامی در موارد زیر حق بکارگیری سلاح را دارند: برای دفاع از خود در برابر کسی که با سلاح سرد یا گرم به آنان حمله نماید.

برای دفاع از خود در برابر یک یا چند نفر که بدون سلاح حمله

اجازه می‌دهد که به محیط بان شلیک و او را مجروح کند یا به قتل برساند؟

به شرحی که در بالا به عرض رسید، محدودیت موجود برای محیط بان در خصوص استفاده از سلاح، شرایط را به گونه‌ای رقم زده است که شکارچی با اطمینان از اینکه محیط بان با محدودیت‌های جدی در استفاده از سلاح مواجه است، برای فرار از اعمال قانون به خود اجازه می‌دهد که به سمت محیط بان شلیک کنند که در نتیجه متاسفانه با آمار بسیار بالایی از مجروح و کشته شدن محیط بانان مواجه هستیم.

اگر یک محیط بان در حین انجام وظیفه، به یک شکارچی غیرقانونی شلیک کند و باعث مرگ او بشود، آیا مجازات خواهد شد؟ اگر آری، چه مجازاتی و چرا؟

مطابق تبصره ۳ از ماده ۳ قانون نحوه بکارگیری سلاح در موارد ضروری، مأمورین مسلح در کلیه موارد مندرج در این قانون در صورتی مجازند از سلاح استفاده نمایند که اولاً، چاره‌ای جز بکارگیری سلاح نداشته باشند، ثانیاً در صورت امکان مراتب: ۱ تیرهوائی، ۲ تیراندازی کمر به پائین، و ۳ تیراندازی کمر به بالا را رعایت نمایند.

صرف نظر از محدودیت جدی محیط بان در استفاده از سلاح به شرحی که آمد، در صورتی که محیط بان نتواند رعایت مراتب فوق را به اثبات برساند: در صورت فوت شکارچی متخلف، محیط بان با مجازات قتل عمد که مجازات آن به درخواست اولیای دم قصاص است، مواجه خواهد شد.

از لحاظ قانونی چه خلایق در رابطه با حمایت از محیط بانان وجود دارد و دولت چه اقدام یا اقداماتی باید در راستای تامین جان محیط بانان انجام بدهد؟

محدودیت‌های موجود در خصوص نحوه بکارگیری سلاح توسط محیط بان می‌بایست برطرف گردد، برای نمونه، محیط بان نمی‌تواند با استفاده از سلاح شکارچی متخلف را متوقف نماید و عملاً به یک تعقیب کننده صرف تبدیل شده است که ضروری است این خلایق‌های قانونی برطرف گردد. لازم به ذکر است که برطرف کردن خلایق‌های قانونی به تنهایی تامین کننده جان محیط بان نیست و ضروری است ساز و کارهای سخت افزاری و نرم افزاری مناسب به منظور حفظ محیط زیست و حیل و حش و نیز جان محیط بانان از طرف دولت



سازمان، تعداد محیط بانان کشور بسیار کمتر از استانداردهای جهانی است. به همین دلیل در حالی که طبق اعلام فرمانده یگان حفاظت محیط زیست، بر اساس استاندارد جهانی به ازای هر یک هزار هکتار عرصه یک محیط بان باید باشد، در ایران به ازای هر ۱۰ تا ۱۲ هزار هکتار یک محیط بان انجام وظیفه هستیم.

می‌کند.

مطابق ماده ۳۶ دستورالعمل خدمتی گارد حفاظت، مأمورین این گارد باید ۱۸ روز سرکار باشند و ۱۲ روز حق مرخصی دارند. ۱۸ روز کار یعنی ۱۴۴ ساعت کار در حالی که همه ۴۳۲ ساعت در طول ماه کار می‌کنند. این میزان از کار محیط بان حتی اگر در ازای دریافت مزایای باشد، محیط بان را فرسوده کرده و امکان وقوع خطا در استفاده حداقلی از سلاح را افزایش می‌دهد.

بنابراین افزایش تعداد محیط بانان یک الزام است که مورد تاکید مسئولین سازمان محیط زیست نیز قرار دارد. از طرف دیگر، محیط بانان تجهیزات و فن آوری روزآمد مانند پهپاد، دوربین های دید در شب، تکنولوژی ماهواره ای و دیگر فن آوریهای نوین را در اختیار ندارند و همین موضوع، این افراد را در معرض خطرات بیشتری قرار می‌دهد که دولت ملزم به تهیه آن است.

به توجه به اینکه نیروهای انتظامی و محیط بانان هر دو با مجرمین و ناقضین قانون سروکار دارند، چه تفاوتی میان این دو نیرو، در استفاده از اسلحه وجود دارد؟

لازم به تذکر است که در ایران دو نوع ضابط قضادی داریم. ضابط عام که نیروی انتظامی است و ضابط خاص که مأمورین سایر سازمان‌ها از جمله مأمورین یگان حفاظت از محیط زیست از آن جمله‌اند.

نیروی انتظامی در استفاده از سلاح و با توجه به مقررات قانون نحوه بکارگیری سلاح در موارد عدیدیه‌ای امکان استفاده از سلاح (بار عایت مقررات پیش‌بینی شده) را دارد اما محیط بان به عنوان ضابطین خاص تنها در موارد تجویز شده در قانون که بسیار محدود ر از مواردی است که نیروی انتظامی اجازه استفاده از سلاح را دارد، مجاز به استفاده از سلاح هستند. برای مثال و همانگونه که آمد، محیط بان امکان استفاده از سلاح برای جلوگیری از وقوع بزه را ندارد اما مأمورین انتظامی از این امکان برخوردار هستند. همانگونه که ملاحظه می‌گردد، مأمورین سازمان محیط زیست علیرغم اینکه ضابط قضائی محسوب می‌گردند اما از تمامی حمایت‌های قانونی که ضابطین خاص از آن برخوردار هستند، بهره‌مند نبوده و به همین دلیل است که با احکام محکومیت این افراد مواجه هستیم.

فراهم گردد که از آن جمله می‌توان به افزایش تعداد نیروهای گارد حفاظت از محیط زیست و تامین تجهیزات روزآمد و مدرن اشاره کرد.

به منظور تبیین موضوع لازم است به استناد مسئولین سازمان محیط زیست اشاره شود، مطابق اعلام مدیران ارشد این

فقدان قوانین حمایتی از محیط بانان در ایران



نیره انصاری

محیط بانان در راستای دفاع از محیط زیست و حیات وحش در حین درگیری با شکارچیان غیرقانونی مرتکب قتل شده و متعاقباً به قصاص نفس محکوم شده‌اند. [سالها پیش جلال الدین فارسی در حین شکار غیرقانونی مرتکب قتل یک زارع شد اما توسط دستگاه قضایی اسلامی تبرئه گردید!]

با توجه به اینکه براساس قوانین موجود در کشور محیط بانان ضابطین دادگستری محسوب و باید مورد حمایت قانونی قرار گیرند تا بتوانند شایسته‌تر به وظایف قانونی خود عمل نمایند. در حالی که اگر محیط بان یا جنگلبان یک «معارض مسلح» را هدف قرار دهد و او را به قتل برساند، از منظر قضایی و به ویژه قاضی رسیدگی کننده مرتکب قتل شده و از دیگر سو اگر یک محیط بان، در جریان یک درگیری کشته شود تنها لقب شهید به او داده می‌شود. اما خاک سپاری پیکرش را در گورستان عادی مجاز می‌دانند و نه در قطعه شهدا و خانواده آنها تحت حمایت بنیاد شهید قرار نمی‌گیرند.

بر پایه ماده ۱۵ قانون آئین دادرسی کیفری، ضابطین دادگستری مامورینی هستند که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی در کشف جرم و بازجویی مقدماتی و حفظ آثار و دلائل جرم و پیشگیری از فرار و مخفی شدن متهم، اقدامات قانونی را به انجام می‌رسانند.

از این بیش ماموران نیروی انتظامی ضابطین «عام» دادگستری محسوب می‌گردند البته برخی قوانین خاص نیز در خصوص

پس از چهار دهه استقرار حکومت اسلامی در ایران بیش از ۱۵۰ محیط بان را از دست داده‌ایم که حدود ۳۰٪ درصد آن‌ها با تیر جنگی و مابقی به علت سوانح دیگر مانند تصادف و یا افتادن از کوه و ... جان باخته‌اند.

حمله به محیط بانان و مدافعان محیط زیست که براساس قانون استخدامی کشور در مجموعه‌ی سازمان محیط زیست قرار دارند، در کشور بدل به یک رویه شده است و کسانی که جان و زندگی خود را برای دفاع از محیط زیست آسیب پذیر، اما با ارزش کشور می‌گذارند به دست عده‌ای قاچاقچیان حیوانات یا شکارچیان غیرمجاز، شهید قلمداد می‌شوند!

در سال ۱۳۹۳ فرمانده یگان حفاظت محیط زیست از تشکیل ستادی با هدف حمایت از حقوق محیط بانان خبر داد. بر این اساس، سخن از ایجاد تحولی در محیط زیست در تمام ابعاد رانده شد که تاکنون به این امر جامه عمل پوشانده نشده است. این در حالی است که بیش از ۹۰ سال از تدوین قوانین در حوزه شکار می‌گذرد اما همچنان با خلاء وجود قوانین حمایتی از یک سو و ناکارآمدی دیگر قوانین از دیگر فرای مواجه هستیم.

حال آنکه در ایران حدود سه هزار محیط بان فعال بوده و تاکنون محیط بانانی در حین انجام وظیفه دچار درگیری با شکارچیان غیرقانونی شده و جانباخته‌اند. اما بعضاً برخی از

دفاع از خود بپردازند، در صورت ارتکاب قتل یا جرح، باید از معافیت مجازات قصاص نفس یا عضو برخوردار شوند.

افزون بر این آئین‌نامه اجرایی قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست به روشنی پیرامون بکارگیری اسلحه توسط محیط بانان و به ویژه «حق دفاع مشروع» بیان داشته است.

ماده ۲۶ قانون بکارگیری اسلحه مصوب ۱۳۷۳ تصریح می‌دارد: «مامورین گارد محیط زیست برای انجام وظایف محوله بنا به تشخیص مدیر یا سرپرست مربوطه سلاحی را که قانوناً سازمان در اختیار آنان می‌گذارد حمل می‌نمایند.» ذیل تبصره این ماده اشاره دارد به «سلاح سازمانی در اختیار افرادی قرار می‌گیرد که از طریق مراجع ذیصلاح صلاحیت عمل سلاح آنها تأیید شده باشد.»

ماده ۲۷ می‌افزاید: «آن دسته از مامورین سازمان که ضابط دادگستری‌اند و صرفاً هنگام انجام وظایف قانونی و در اجرای ماموریت‌های محوله برای کشف و تعقیب قانونی جرائم و در اجرای موارد مصرح در قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست در شمار نیروهای مسلح محسوب و موضوع ماده ۱ قانون بکارگیری سلاح توسط مامورین نیروهای مسلح در موارد ضروری، قرار می‌گیرند و در چوکات و موازین دقیق قانون یاد شده؛ «حق استفاده از اسلحه سازمانی» را دارند.

راهکارها

- ۱- برطرف نمودن مشکلات اقتصادی محیط بانان.
- ۲- استانداردسازی، چنانچه مسئولان سازمان محیط زیست هدف‌گیری برنامه‌ها را به سمت استاندارد سازی پیش ببرند می‌توان بیان داشت که حجم زیادی از مشکلات رفع خواهد شد.
- ۳- تنظیم برنامه شیفت محیط بانان، اکنون به دلیل کمبود نیروی انسانی که خود از مشکلات اساسی عدم تخصیص بودجه کافی توسط دولت است، شیفت کاری سنگین بر محیط بانان اعمال می‌شود و این امر خود از موجبات تنزل کیفیت کار تلقی می‌شود. در نتیجه برنامه افزایش نیرو به صورت استخدام می‌تواند از سنگینی کار بکاهد.
- ۴- تجهیز محیط بانان، محیط بانان نیاز به تجهیزات و وسائل کامل از قبیل پوتین، موتورسیکلت بیابانی، اتومبیل و دیگر ملزومات مدرن هستند.
- ۵- استفاده از تکنولوژی جدید، انواع فناوری مانند پهپاد،

بیش از ۲۰٪ مورد ضابط خاص دادگستری در کشور وجود دارد. به سخنی دیگر این ضابطین خاص تنها در حیطه جرائمی که امکان دارد در حوزه شغل خاصشان رخ دهد، ضابط محسوب می‌گردند و به طریق اولی یک محیط بان در مواجهه با یک شکارچی غیرقانونی، ضابط دادگستری محسوب و می‌تواند از فرار وی جلوگیری نموده و متهم را به مقامات قضایی ذی صلاح تحویل دهد. افزون بر این براساس ماده ۱۵ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳ ماموران سازمان محیط زیست که از سوی سازمان یاد شده مامور کشف و تعقیب جرائم مدنظر این قانون می‌شوند، در صورتی که وظایف ضابطین دادگستری را در کلاس‌های ویژه و با نظارت دادستان محل تعلیم یافته باشند، به حیث اجرای این قانون و قانون شکار و صید در ردیف ضابطین دادگستری محسوب می‌گردند.

فرا تراز این و به استناد قانون، محیط بانان از اجازه حمل اسلحه بهره‌مند بوده و اساساً حمل اسلحه مغایر با قانون به کارگیری سلاح مصوب ۱۳۷۳ نیست زیرا که به این مامورین دولتی از راه‌های قانونی و تحت نظارت یک سازمان دولتی سلاح داده می‌شود.

بر مبنای آنچه در بالا آمد، در خصوص مساله‌سازترین موضوع حقوقی توجه به دو نکته برجسته ضروری است:

نخست؛ بحث تمرد نسبت به مامورین دولت است، به موجب قانون مجازات اسلامی هرگونه حمله و یا مقاومت که با علم و آگاهی نسبت به ماموران دولت در حین انجام وظیفه آنان به عمل آید، تمرد و سرپیچی محسوب می‌گردد و مجازات حبس را در پی دارد و اگر این تمرد با اسلحه باشد از علل مشدده مجازات حبس خواهد بود. و این امر از مستندات حقوقی دایره مامور دولت محسوب شدن محیط بانان است. بدین اساس چنانچه شکارچیان نسبت به اجرای دستورات قانونی محیط بانان مقاومت نمایند، مرتکب جرم تمرد در برابر مامورین دولت گشته‌اند.

نکته دوم؛ بحث «حق دفاع مشروع» است. این امر در قوانین جزایی بطور موکد مورد بررسی واقع شده و آن را از عوامل مواجهه با جرم بر شمرده است. اما در عمل برخی از قضات به ان امر مهم بی‌توجه‌اند.

به دیگر بیان محیط بانانی که در حین انجام وظیفه در درگیری با شکارچیان غیرقانونی و در چارچوب قوانین موجود به حق

دوربین‌های دید در شب، تکنولوژی ماهواره‌ای و دیگر فناوری‌های نوین که سازمان محیط زیست باید در دستور برنامه‌های خود قرار دهد تا به تدریج در بین محیط‌بانان مناطق مختلف کشوری پخش شده و این امر موجب ارتقاء کیفیت کار و به ویژه کاهش هزینه‌های انسانی می‌گردد.

۶- جایگزین کردن اسلحه‌های میان‌برسازمانی مستعمل که ده‌ها سال مورد استفاده در تعلیمات نظامیان ارتش یا دیگر گروه‌های نظامی و انتظامی بوده با اسلحه‌های جدید و دوربین‌دار نظامی مدرن برای استفاده در برابر تهاجم شکارچیان و قاچاقچیان بکار آید.

قانون حمایت از محیط‌بانان، این قانون در ۲۸ بند، در سال ۱۳۹۸ تنظیم گردید اما نزدیک به یکسال است که در کمیسیون پژوهش‌های مجلس در انتظار طرح و بررسی در صحن مجلس اسلامی بسر می‌برد.

ماده ۴ این قانون می‌گوید: در این ماده در هشت مورد اجازه داده شده که محیط‌بانان از سلاح استفاده کنند که دفاع از خود در برابر متخلفانی که با سلاح سرد یا گرم به آنان حمله می‌کنند، دفاع از خود در مقابل افراد یا افرادی یا متخلف یا متخلفانی که بدون سلاح حمله می‌آورند ولی اوضاع و احوال طوری باشد که بدون به‌کارگیری سلاح گریز از خطر امکان نداشته باشد.

۷- جلوگیری از زمین‌خواری، یک محیط‌بان بدون پشتوانه قانونی و تنها با تذکر و توصیه نمی‌تواند از تصرف غیرقانونی منابع طبیعی در حوزه خود دفاع نماید زیرا زمین‌خواران با دور زدن قوانین و تنظیم اسناد و مدارک جعلی می‌توانند وی را قانع نموده و فعل مجرمانه خود را انجام دهند. براین پایه این وظیفه سازمانی است و نه فردی.

۸- جایگزین کردن جواز حمل و بکارگیری اسلحه محیط‌بانان که تنها در حوزه مقابله با حیوانات کارایی دارد با توجه به اینکه حیوانات برای محیط‌بانان و جنگلبانان بندرت خطرآفرین هستند، با جوازی مشتمل بر اختیارات گسترده‌تر.

۹- شناخت محیط زیست و حفاظت از آن یک تخصص است و قضاوت نسبت به چنین پرونده‌هایی نیز باید تخصصی باشد. بنابراین نیاز به تعلیم و تربیت تعدادی قاضی متخصص ویژه محیط زیست است، تا پس از شناخت قوانین عمومی و با طی یک دوره تخصصی بتوانند مشکلات پیچیده محیط‌بانان را تشخیص دهند و هنگامی که یک



قاضی، یک محیط‌بان را به قصاص نفس محکوم می‌نماید باید تامل کرد که آیا قوانین ناقص‌اند و یا قضاوت با این حرفه آشنایی تخصصی ندارند.

۱۰- قوانین حمایتی، قوانین باید شفاف، کامل و بدون ابهام باشد و اکنون دولت موظف است لایحه حمایتی کاملی را به منظور تصویب به مجلس ارائه داده تا این قشر آسیب‌پذیر جامعه بیش از این در معرض متجاوزان به محیط زیست همچون شکارچیان غیرقانونی، زمین‌خواران و... نباشند.

محیط زیست از منظر حقوق بین‌الملل

مطالعه و تحقیق در مورد اصول و مقررات حقوقی محیط زیست بین‌المللی نشانگر آن است که، یافته‌های علمی جدیدی در زمینه مقررات محیط زیست در حال پیدایش و تحول می‌باشند، تا به امروز برخی از اصول و مقررات حقوقی محیط زیست بین‌المللی ثابت و تصویب شده و برخی دیگر نیز در حال تدوین می‌باشند. تا زمان انقلاب صنعتی تنها موضوعاتی مانند سیل، زلزله، قحطی و طاعون تهدیدات

مستمر در سطح بین‌المللی محسوب می‌شدند. اما اکنون مساله تخریب بین‌المللی محیط زیست به عنوان یک تخلف از حقوق بین‌المللی عرف به رسمیت شناخته شده است و تعداد کثیری از قراردادها و عهدنامه‌های دو جانبه و چند جانبه بین دولت‌ها برای اجرای اصول و قواعد بین‌المللی، پیش‌بینی شده و قابل اجرا می‌باشد. با این حال، فقدان یک مرجع قانونی بین‌المللی موثر جهت برخورد مناسب با جرایم محیط زیست کاملاً مشهود است.

«صلح سبز» نظارت بر کمپانی‌های بزرگ جهانی و فشار بر آنها در جهت تعدیل عملکرد آنها به نفع محیط زیست است. کاهش مصرف انرژی و استفاده از انرژی‌های پاک و تجدیدپذیر در جهت کاهش آلودگی هوا و گرمایش جهانی یکی از این موارد است.

صنایع الکترونیکی یکی از صنایع پرمصرف انرژی در سطح جهان هستند که توجه به تولید محصولات با مصرف کمتر می‌تواند موجب صرفه‌جویی بسیاری در انرژی شود.

صلح سبز برای نخستین بار در سال ۲۰۰۶ اقدام به تعریف

شاخص‌هایی در مورد صنایع سبز الکترونیکی کرد و از آن سال گزارش‌هایی را در مورد عملکرد صنایع بزرگ الکترونیکی منتشر می‌کند.

پایان سخن

بنا به دلایل فنی و حقوقی پیش‌رو، برقراری رابطه سببیت بین عمل زیانبار با صدمات وارد شده به محیط زیست با مشکلاتی همراه است و از دیگر فراز، به حیث ماهیت خاص محیط زیست جبران آسیب‌های وارد شده به آن غالباً غیرممکن و در صورت امکان مستلزم هزینه‌های گزاف و صرف زمان طولانی است. با توجه به این موارد، به‌کارگیری اصول نو محیط‌زیستی و از جمله اصل احتیاطی برای حفظ و حمایت از محیط زیست و در نهایت تقویت رویه بازدارندگی از اهمیت محوری برخوردار شده است.

نظر به آنچه در پیش گفته؛ تنها فرستادن پیام تسلیت رئیس سازمان محیط زیست [معصومه ابتکار] به بازماندگان محیط‌بانان که در حادثه اخیر جان باختند کافی نیست، بل، با تدوین قوانین کامل و نوین، مشکلات را به نحو قانونی مرتفع نمایند. قوانین موجود بسیار محدود، ناشفاف، با منظور کردن جریمه‌ها و خسارات مختصر (مبلغ ناچیز ۱۰ میلیون تومان در برابر به قتل رساندن یک محیط‌بان) کهنه‌اند زیرا این قوانین فاقد حمایت کافی از جان محیط‌بانان بوده و نیز از بازدارندگی کافی برخوردار نیستند.

با توجه به اینکه حمایت قانونی از محیط‌بانان از اهمیت ویژه‌ای به حیث سیاسی و اجتماعی برخوردار بوده و اساساً جزو حقوق اساسی شهروندان محسوب و مسئولیت‌های اساسی یک دولت نسبت به احترام و حفظ حقوق شهروندان را دربر می‌گیرد، که این عبارت حقوقی می‌تواند کارایی یابد: «خیر مردم باید قانون برتر باشد!» بدین اساس ماهیت ممتاز حقوق عمومی ناشی از منحصر به فرد بودن وظایفی است که قانون در خصوص عمل حکمرانی انجام می‌دهد. زیرا که قانون را نمی‌توان تنها تجلی‌ای از اقتدار حاکمیتی انگاشت. حقوق عمومی از مرز توجه به فرامین اقتدار حاکمیتی فوآتر می‌رود و این حقوق باید هم وجه تاسیسی و هم وجه تنظیمی رابطه حکمرانی با قوانین تدوین شده در خصوص حقوق شهروندان را به روشنی بیان نماید.

وضعیت شکننده حیات وحش ایران و شکار غیرقانونی

محیط‌بان‌ها در ایران با چالش‌ها و مشکلات عدیده‌ای دست به گریبان هستند. یکی از چالش‌های همیشگی آنها نحوه استفاده از سلاحی است که طبق قانون در اختیار آنها گذاشته شده است. بسیاری از محیط‌بانان مسلح هستند اما اجازه استفاده از اسلحه برای آنها با اما و اگرهایی همراه است که این اما و اگرها، محیط‌بان را در استفاده از سلاح در برابر شکارچیان غیرقانونی دچار شک و تردید می‌کند.

از طرفی دیگر شیف‌های کاری سنگین و طولانی به دلیل کمبود نیروی انسانی که خود از مشکلات اساسی عدم تخصیص بودجه کافی توسط دولت است، محیط‌بانان را خسته و تا اندازه‌ای ناکارآمد کرده است. این خستگی در مواردی می‌تواند باعث عدم تمرکز و استفاده ناپجا و غیرضروری از اسلحه هم شود.

مجله حقوق ما برای بحث در مورد وضعیت محیط‌بانان در ایران با ستام خسروی فرد، فعال و کارشناس مسائل محیط‌زیست مصاحبه‌ای انجام داده است که مشروح آن به شرح زیر می‌باشد.

طبق قانون، وظیفه محیط‌بان در ایران چیست و با توجه به اینکه محیط‌بان‌ها به دلیل شرایط کاری مسلح هستند، از نظر قوانین استخدامی در کدام مجموعه دولتی جایی می‌گیرند؟

بر اساس قانون شکار و صید (مصوب ۱۳۴۶ و اصلاحات بعدی) و نیز قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست (مصوب ۱۳۵۳ و اصلاحات بعدی)، محیط‌بان‌ها در واقع مأموران سازمان محیط‌زیست‌اند که اگر کلاس مربوط را زیر نظر دادستان شهرستان محل خدمت‌شان گذرانده باشند، ضابطین دادگستری هم خواهند بود. وظیفه‌شان عبارت است از: حفظ و حراست از مناطق تحت حفاظت سازمان محیط‌زیست، گونه‌های گیاهی و جانوری، ممانعت از تخریب و آلودگی و مقابله با صید و شکار غیرمجاز.

پیش‌تر، از عبارت گارد محیط‌زیست استفاده می‌شد که به طور کامل زیر نظر سازمان محیط‌زیست اداره می‌شد. چند سالی است از عبارت یگان حفاظت محیط‌زیست استفاده می‌شود؛ یکی از زیر مجموعه‌های پلیس پیشگیری نیروی انتظامی جمهوری اسلامی که بودجه آن از سوی سازمان حفاظت محیط‌زیست ایران تأمین می‌شود.

وظیفه محیط‌بان‌ها چیست و بودن این افراد چه کمکی به محیط‌زیست و اکوسیستم می‌کند؟

به طور خلاصه وظیفه محیط‌بان، حفاظت و نظارت بر عرصه‌های طبیعی و حیات وحش است. حوزه عملش به مناطق چهارگانه سازمان محیط‌زیست خلاصه می‌شود. این مناطق عبارتند از پارک‌های ملی، پناهگاه‌های حیات وحش، مناطق حفاظت شده و آثار طبیعی ملی که حدود ۱۱ درصد کشور را در برمی‌گیرد. البته اگر محیط‌بان خارج این مناطق تخلف یا آلودگی مشاهده کند، می‌تواند آن را ثبت و گزارش کند.

با توجه به هجوم روزافزون به مناطق چهارگانه برای مقاصد مختلف مثل جاده‌سازی، معدن‌کاوی، سدسازی، شهرسازی و یا حتی تخلف‌های کوچکی مثل بوته‌کشی، قطع اشجار یا شکار غیرمجاز، طبیعی است که به نیرویی برای مشاهده، گزارش و البته بازدارندگی نیاز است. محیط‌بانان چنین نقشی ایفا می‌کنند. اگر در شهرها به نیروی پلیس نیاز است یا اگر ارتش مرزهای کشور را حفظ می‌کند، محیط‌بان هم در مناطق چهارگانه هم وظیفه حفاظت از مرزهای آن و هم وظیفه حفظ نظم طبیعی آن عرصه‌ها را به عهده دارد.

چه مشکل یا مشکلاتی سر راه انجام وظایف محیط‌بان‌ها در ایران وجود دارد؟

محیط‌بان‌ها با هزار و یک مشکل مواجه‌اند. از گرفتاری‌های استخدامی تا کمبود تجهیزات و امکانات برای انجام وظیفه‌شان، از عدم حمایت همه‌جانبه حقوقی در درگیری با متخلفان تا سختی و دشواری کار در مناطق طبیعی در هوای به شدت گرم یا سرد در نقاطی که حتی تا کیلومترها ممکن است یک نفر وجود نداشته باشد. باید با این افراد هم‌گام و هم‌قدم شد تا مشکلات‌شان را درک کرد. گاهی مواقع حتی به محیط‌بان‌ها بنزین کافی برای گشت‌زنی با خودرو یا موتورسیکلت داده نمی‌شود. گاهی پیش‌آمده که حتی کفش و لباس مناسب به موقع به آنها نرسیده است. سال گذشته لایحه حمایت از محیط‌بانان و جنگل‌بانان تصویب شد که البته جز اسمش، انگار قرار نیست

حمایت چندانی از آنان در عمل انجام شود. در این مصوبه گرچه تصریح شده که بندهای ۱، ۲ و ۳ ماده ۳ قانون بکارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری برای محیط‌بانان نیز مصداق دارد، اما واقعا نیازی به آن نبود چون بر اساس دو قانون شکار و صید و نظارت و بهسازی محیط‌زیست، محیط‌بان‌های دوره‌دیده، ضابط دادگستری‌اند. حمل سلاح و استفاده از آن هم برای ضابطین دادگستری در قوانین وجود داشت. آنچه به عنوان لایحه حمایت از محیط‌بانان تصویب شده همچنان ضعف‌های بسیاری دارد.

خلاصه اگر محیط‌بان با متخلف شکار روبه‌رو شود، تیراندازی کند و این تیراندازی منجر به فوت شود، نمی‌تواند به سادگی و در جایی که شاهدی هم احتمالا وجود ندارد وسط کوه یا بیابان ثابت کرد که محیط‌بان موارد مندرج در قانون بکارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح را رعایت کرده است. اگر محیط‌بان چشم‌ش را ببندد و وظیفه‌اش را انجام ندهد پس سوال این است که چه کسی باید از مناطق طبیعی و حیات وحش حفاظت کند؟

با توجه به اینکه طبق شرایطی خاص دولت اجازه شکار صادر می‌کند، چرا برخی به صورت غیرمجاز اقدام به شکار می‌کنند؟

مساله شکار در ایران پیچیده است. مجوز را شکارچیان قانونمدار می‌گیرند اما به تعداد بسیار کم به نسبت جامعه شکارچی ایران صادر می‌شود. به این دلیل که وضعیت حیات وحش ایران به شدت شکننده است. همین می‌تواند شکارچیان را به سمت شکار غیرقانونی بکشاند. اما مسائل دیگری هم وجود دارد مثل شکار به دلیل تعارض جامعه محلی با دستگاه‌های دولتی و یا شکار برای برداشت گوشت یا فروش آن به دلیل مسائل اقتصادی.

مدیریت نادرست در ایران همان‌گونه که اجتماع و اقتصاد را دچار مضیقه کرده، باعث نابودی طبیعت هم شده است.



در درگیری میان محیط‌بانها و شکارچیان غیرمجاز، ما همیشه در رسانه‌ها از مظلوم واقع شدن محیط‌بانها و بی‌رحمی شکارچیان، شنیده و خوانده‌ایم، اگر بیطرفانه به این قضیه نگاه کنیم، این موضوع چقدر می‌تواند صادق باشد؟ آیا همیشه شکارچی مقصر است یا اینکه گاه محیط‌بان هم بی‌تقصیر نبوده‌اند؟

متأسفانه آمار دقیقی از محیط‌بانانی که در درگیری با شکارچی غیرمجاز و در راه انجام وظیفه جان‌شان را از دست داده‌اند در دسترس نیست. حتی در وب‌سایت سازمان محیط‌زیست که صفحه‌ای به محیط‌بانان شهید اختصاص داده شده تا این لحظه اسم بیش از ۳۷ نفر ذکر نشده در حالی که تعداد محیط‌بانانی که در راه خدمت به وطن جان باخته‌اند دستکم ۱۴۵ نفر است. به علاوه اطلاعی در دسترس نیست از شکارچیان مختلف و حتی افراد بی‌گناهی که ممکن است در درگیری آسیب دیده باشند یا جان‌شان را از دست داده باشند. گاهی

روایت قربانیان تعارض بین محیط‌بان و شکارچی و خانواده‌های‌شان با آنچه رسانه‌ای می‌شود متفاوت است، گاهی مواقع دو گانه قدیس-ابلیس ساخته می‌شود و گاهی مواقع افکار عمومی یک‌طرفه به قاضی می‌رود که متأسفانه هیچ کدام به نفع افراد یا به نفع طبیعت نیست.

در شرایط کنونی دولت چه اقداماتی باید انجام بدهد که هم زندگی محیط‌بانان کمتر در معرض خطر قرار بگیرد و هم راندمان کاری‌شان بالاتر برود؟ و از طرفی علاوه بر محیط‌بانان شاهد مرگ و کشته شدن شکارچی‌ها هم نباشیم.

دولت‌ها اگر می‌توانستند کاری بکنند که وضعیت در همه حوزه‌ها به وخامت امروز نبود. مدیریت ناکارآمد و فاسد جمهوری اسلامی همان گونه که نمی‌تواند وضعیت معیشتی مردم را سامان بدهد، قادر نیست برای طبیعت ایران و نگاهبانان آن که محیط‌بانان و جنگل‌بانانند کاری بکند. خانه از پای بست ویران است.

کشته شدن محیط‌بان‌ها و

شکارچی‌ها، دوگانه قدیس - ابلیس



علی اصغر فریدی

معتقدند که باید دست محیط‌بان در استفاده از اسلحه علیه شکارچیان غیرقانونی بازتر باشد. اما بنا بر گفته یکی از فعالان محیط‌زیست که نخواست نامش فاش شود، با این‌که در اکثر پرونده‌ها محیط‌بان‌ها مورد ظلم قرار می‌گیرند و قربانی می‌شوند، لیکن لزوماً تمامی پرونده‌ها مانند هم نیستند. گاهی سوءاستفاده محیط‌بان از اسلحه باعث می‌شود که شکارچی هم قربانی کینه‌های شخصی و یا طایفه‌ای دیرینه میان خود و محیط‌بان شود. بنابه گفته این فعال و کارشناس زیست محیطی، مواردی بوده که شکارچی از پشت مورد اصابت گلوله محیط‌بان قرار گرفته و جان‌ش را از دست داده است.

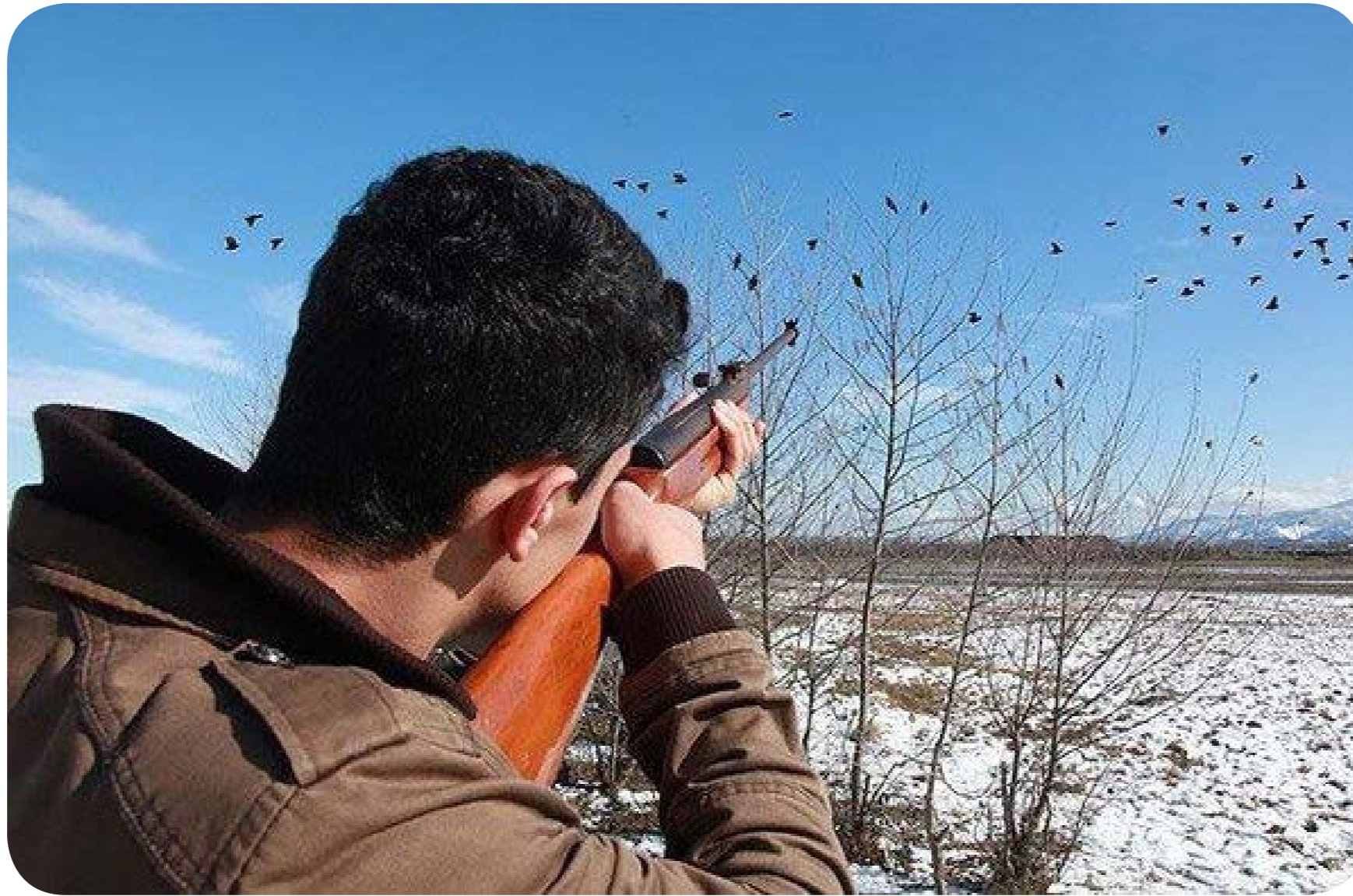
بنابراین نه محیط‌بان قدیس است و نه شکارچی دیو. جامعه به صورت پیش‌فرض برخی از اعمال را مجرمانه می‌داند و نسبت به کسانی که آن عمل را مرتکب می‌شوند با دید منفی یگانه می‌کند. به عنوان مثال دزدی یک عمل نکوهیده است و جامعه به یک دزد، نگاه منفی دارد، اما پلیس حق ندارد کسی را که مثلاً قالی‌باف دزدیده، خودسرانه به قتل برساند.

این موضوع در مورد شکارچیان هم صدق می‌کند.

همان اندازه که در یک کشور وجود ارتش برای حفاظت از مرزها لازم و ضروری است، وجود محیط‌بان هم برای محیط‌زیست ضرورت دارد چون جبران صدمات وارده به محیط‌زیست غالباً غیرممکن و جبران‌ناپذیر است و در صورت امکان هم، مستلزم صرف هزینه‌های گزاف و زمان نسبتاً طولانی است. با این وجود محیط‌بانان نیز مانند نظامیان و سایر شهروندان نیاز دارند تا از یک قانون مکتوب و صریح تبعیت کنند.

هر از چندگاهی خبرهایی از کشته شدن یک یا چند محیط‌بان را به دست شکارچیان غیرمجاز، در رسانه‌ها می‌خوانیم یا می‌شنویم. رسانه‌ها در جنگی که میان شکارچیان و محیط‌بانان روی می‌دهد، کمتر به کشته شدن شکارچیان می‌پردازند. معمولاً زمانی خبر کشته شدن شکارچیان را می‌شنویم که یک محیط‌بان در آن ارتباط به قصاص محکوم می‌شود.

برخی از حقوق‌دان‌ها، از عدم شفافیت قانونی استفاده از سلاح توسط محیط‌بان صحبت می‌کنند، برخی



مردم، شکارچیان را «حیوان‌کش» و محیط‌بانان را افرادی زحمتکش می‌دانند که از منابع طبیعی، گونه‌های حیوانی در حال انقراض و محیط‌زیست مراقبت می‌کنند و جامعه با دیدی مثبت به آنها نگاه می‌کند. اما همانند هر شغل دیگری محیط‌بان خوب و محیط‌بان بد هم داریم و بوده که یک محیط‌بان، بنا بر دلایل مختلف، شکارچی را به ناحق به قتل رسانده است.

یکی از مقام ارشد سابق محیط‌زیست ایران در مورد مسلح کردن محیط‌بان و اختیارات بیشتر برای آنها در استفاده از اسلحه می‌گوید، این مسئله بسیار پیچیده است، مسلح کردن محیط‌بانان یک خطر جدی است و عدم مسلح کردن آنها نیز یک خطر دیگر، به گفته این مقام سابق سازمان محیط‌زیست، که نخواست نامش را در گزارش قید کنیم، مواردی بوده که محیط‌بان، بدون هیچ دلیل خاصی با استفاده از اسلحه‌ای که در اختیار داشته، اقدام به کشتن یک شخص دیگر کرده است.

یک فعال و کارشناس محیط‌زیست هم در مورد کشته شدن محیط‌بانان و شکارچیان به مجله حقوق ما گفت: «ما معمولاً فقط کشته شدن محیط‌بانان را در رسانه‌ها می‌شنویم و با محیط‌بانان همدلی و همذات‌پنداری می‌کنیم، در حالی که در میان همین قشر هم، به دلیل عدم گزینش صحیح و بررسی سوابق و سلامت روحی و روانی آنها در حین استخدام، شاهد شلیک غیرضروری و گاه غرض‌ورزانه آنها به سمت شکارچیان و حتی در برخی موارد استفاده از اسلحه در نزاع‌های قبیله‌ای و طایفه‌ای بوده‌ایم.»

شکار برای تفریح یا سیر کردن شکم

موضوع دیگری که در رابطه با شکارچیان غیرمجاز، کمتر به آن پرداخته می‌شود، این است که اصولاً چرا یک عده به صورت غیرقانونی به شکار می‌پردازند؟ و چرا این شکار آنقدر برایشان مهم است که حتی حاضر هستند با محیط‌بانان درگیر شوند؟ درگیری مسلحانه‌ای که احتمال مرگ خودشان یا محیط‌بان را دنبال دارد. آیا شکارچیان از سرشکم سیری و تفریح به شکار روی آورده‌اند یا برای

سیر کردن شکم زن و بچه‌اشان به شکار می‌پردازند؟ این سوالی بود که از چندین مسئول و فعال زیست‌محیطی پرسیدم، هیچکدام جواب ندادند که همه شکارچیان لزوماً برای تفریح شکار می‌کنند. تعدادی از شکارچیان، از روی ناچاری و برای تامین غذای خود و خانواده دست به شکار می‌زنند.

یکی از مقامات محیط‌بانی ایران، در رابطه با شکار و درگیری‌های میان شکارچیان و محیط‌بانان، به مجله حقوق ما گفت: «تمام کسانی که به شکار می‌پردازند، به دلیل تفریح و از سرشکم سیری نیست و ما در ایران داریم کسانی را که واقعا برای سیر کردن شکم زن و بچه‌اشان و یا به تامین زندگی‌شان، از طریق فروش گوشت شکار، به این کار روی می‌آورند. بیشترین درگیری منجر به جراحت

و مرگ، هم در میان محیط‌بانان و هم شکارچیان، از این قشر روی می‌دهد.»

یکی از کارشناسان محیط‌زیست می‌گوید، اگرچه من شخصا مخالفان شکار هستم، اما واقعیت این است که بسیاری از کسانی که در ایران شکار می‌کنند، از روی فقر و برای به دست آوردن پول یا غذا به این کار روی آورده‌اند. تا زمانی که، برخی از مغازه‌های پایتخت، گوشت آهوی تازه کشتار را تبلیغ می‌کنند و یا فلان رستوران در بالای شهر گوشت بزکوهی و گوزن و ... را در منوی غذاهایش می‌گنجاند، درگیری و نزاع میان محیط‌بان و شکارچی بیشتر و خونین‌تر خواهد شد.

برای تهیه این گزارش با تعداد زیادی از مسولین، فعالان و کارشناسان زیست‌محیطی در داخل ایران، تماس گرفتم ولی متأسفانه به دلیل شرایطی که برای تعدادی از فعالین محیط‌زیستی ایران به وجود آمده و امنیتی کردن مسئله محیط‌زیست، آنها حاضر به مصاحبه با نام خود نشدند. ایران شاید یکی از معدود کشورهایی است که مسئله محیط‌زیست را امنیتی کرده و درهای انتقاد و اظهارنظرهای کارشناسانه را بر روی فعالین و کسانی که دغدغه زیست‌محیطی دارند بسته است.

در این میان اما جنگ و نزاع خونین میان محیط‌بان و شکارچی همچنان در جریان است، گوشت بره آهو، گوزن و دیگر گونه‌های کمیاب در رستوران‌های شیک پایتخت سرو می‌شود، مراتع، حاشیه رودخانه‌ها و جنگ‌ها تبدیل به خانه و ویلای تفریحی می‌شوند و فعالان محیط‌زیست یا زندانی می‌شوند و یا مجبور به ترک وطن.

نقض حقوق و قوانین محیط‌زیستی و نبود آموزش و فرهنگ مناسب

شکار شاید یکی از قدیمی‌ترین کارهایی بوده که بشر برای بقای خود انجام داده و طی قرن‌ها این کار را به فرزندان خود آموزش داده، انسان‌های اولیه، شکار را برای سیر کردن شکم خود و بقا انجام داده‌اند. امروزه اما بشر با توجه به اینکه دیگر برای بقا نیاز به شکار ندارد، اما به جز تعدادی که هنوز برای سیر کردن شکم خود و خانواده‌اشان به شکار می‌پردازند، سایر شکارچیان برای تفریح اقدام به این کار می‌کنند.

شکار حیوانات و به ویژه گونه‌های کم‌یاب و در حال انقراض، علاوه بر اینکه باعث نابودی و انقراض برخی از گونه‌های حیوانات و پرندگان می‌شود، باعث آسیب‌های جدی به اکوسیستم و محیط‌زیست هم خواهد شد. به همین دلیل برخی از کشورها، قوانین خاصی را برای شکار تصویب و محل‌هایی را هم برای رشد و تولید مثل برخی از گونه‌های حیوانات در نظر گرفته‌اند.

اولین قوانین و احکام قانونی در مورد شکار در ایران، در هجدهم اردیبهشت ماه ۱۳۰۷ تدوین و به تصویب رسید و در چهاردهم اسفند ماه ۱۳۳۵ مقررات مستقل و نسبتاً جامعی در زمینه حفاظت از حیات وحش به تصویب مجلس وقت رسید و «کانون شکار و صید» تشکیل شد که اعضاء آن را تعدادی از افراد علاقه‌مند به شکار و صید تشکیل می‌دادند، به منظور اجرای قوانین تدوین شده وزیر کشور و رئیس ستاد ارتش وقت نیز به عضویت کانون مذکور درآمدند.

همچنین در شانزدهم خرداد ۱۳۴۶ سازمان شکاربانی و نظارت بر صید جایگزین کانون شکار شد و این سازمان رسماً به عنوان یک دستگاه مستقل دولتی فعالیت خود را با آموزش شکاربانان در سطح کشور آغاز و مناطقی را نیز به عنوان پارک وحش مورد حفاظت قرار داد.

در سال ۱۳۵۰ با مطرح شدن مسائل زیست‌محیطی در سطح جهان، این سازمان با تغییر عنوان به نام سازمان حفاظت محیط‌زیست، عهده‌دار مسایل محیط‌زیست کشور شد و همکاری خود را با سازمان‌های بین‌المللی ادامه داد.

سازمان حفاظت محیط‌زیست طبق استانداردهای بین‌المللی مناطقی را تحت عنوان مناطق چهارگانه مورد حفاظت قرار داده است، که هر یک از مناطق دارای شرایط و مقررات خاص بوده و هم‌اکنون تعداد مناطق چهارگانه محیط‌زیست در کل کشور به ۲۵۳ رسیده است.

محیط‌بان‌ها یعنی افرادی که برای حفاظت و کنترل

عرصه‌های طبیعی و حیات وحش کشور از سوی سازمان حفاظت محیط‌زیست به خدمت گمارده شده‌اند. محیط‌بانان از نظر قوانین استخدامی، کارمند دولتی محسوب می‌شوند. اما با توجه به شرایط کاری خویش، وضعیتی شبیه به نیروهای انتظامی یا شبه‌نظامی دارند. در طی سال‌های گذشته برخی از محیط‌بان‌ها با توجه به اینکه مسلح بوده‌اند اما به دلیل محدودیت‌های قانونی و مشکلاتی که پس از استفاده از اسلحه برای آنها به وجود می‌آمد، توسط شکارچیان غیرقانونی کشته شده‌اند، آخرین مورد آن در منطقه فیله خاصه در استان زنجان در فروردین ماه ۱۴۰۰ روی داده که شکارچیان با گلوله جنگی دو محیط‌بان را کشته و حتی تیر خلاص را به سر آنها شلیک کرده بودند. برای بررسی وضعیت محیط‌بانان مجله حقوق ما با معین خزانلی، حقوق‌دان، گفت‌گویی انجام داده که مشروح آن در زیر آمده است.

طبق قانون، وظیفه محیط‌بان چیست و با توجه به اینکه، محیط‌بان‌ها به دلیل شرایط کاری مسلح هستند، از نظر قوانین استخدامی در کدام مجموعه دولتی جا می‌گیرند؟

بر اساس آیین نامه دستور العمل خدمتی گارد محیط‌زیست مصوب فروردین ۱۳۷۵ گارد محیط‌زیست به افرادی گفته می‌شود که پس از طی دوره‌های آموزشی مربوطه مسئولیت اجرایی نظارت بر فعالیت‌های توسعه عمرانی و کنترلی عوامل تخریب یا ترمیم و بهسازی آن و نیز مسئولیت اجرای قوانین و مقررات حفاظت از محیط‌زیست و شکار و صید را بر عهده دارند و محیط‌بان نیز بخشی از این گارد محسوب می‌شود. بر طبق این آیین نامه محیط‌بان کسی است که مسئولیت اجرای قوانین و مقررات شکار و صید و حفاظت و بهسازی محیط‌زیست را در سطح حوزه استحفاظی خود بر عهده داشته و در زمینه حفاظت از حیات وحش، اکوسیستم، جلوگیری از آلودگی محیط‌زیست، ممانعت از تجاوز به مناطق تحت کنترل سازمان و منابع طبیعی در حوزه استحفاظی خود

اقدام می‌نماید. ماده ۹ این قانون همچنین به تفصیل به وظایف محیط‌بانان پرداخته و وظایف آنها را شرح داده است. از این رو به طور کلی می‌توان گفت وظیفه محیط‌بان حفاظت و نگهداری از حوزه زیست‌محیطی خود به طور کلی و نظارت بر چگونگی بهره‌برداری از آن و جلوگیری از نقض قوانین توسط دیگران در زمینه آن است. محیط‌بانان از منظر قوانین استخدامی زیر مجموعه کارکنان دولت هستند و نظامی محسوب نمی‌شوند اگرچه قوانین مربوط به بکارگیری اسلحه که مختص نیروهای نظامی و انتظامی است مشمول آنها نیز می‌شود.

محیط‌بانان در چه شرایطی و علیه چه کسانی می‌توانند از اسلحه استفاده کنند؟ همچنین آنها چه محدودیت‌هایی در استفاده از اسلحه دارند؟

محیط‌بانان از سال ۱۳۷۳ و پیش از تصویب قانون بکارگیری سلاح برای نیروهای مسلح مشمول این قانون بوده و عملکرد آنها قانوناً نباید تفاوتی مثلاً با ماموران پلیس یا بسیج داشته باشد. اما در عمل این قانون برای محیط‌بانان به شکل دیگری اجرا می‌شود. به این معنی که در حالیکه بر اساس قانون بکارگیری سلاح ماموران بسیج یا پلیس در صورت مشاهده وقوع جرم مشهود و با هدف دستگیر کردن مجرم یا جلوگیری از فرار او یا حتی حفاظت از مکانی که حفظ امنیت آن به آنها سپرده شده مجاز به استفاده از اسلحه خود هستند، اما محیط‌بانان صرفاً هنگامی مجاز به استفاده از اسلحه هستند که جان خودشان یا دیگران بواسطه مجرم مسلح یا غیر مسلح در خطر جدی قرار داشته باشد.

این یعنی محیط‌بانان اجازه استفاده از اسلحه برای دستگیری یا جلوگیری از فرار شکارچی غیرقانونی مسلح و یا جلوگیری از شلیک او به سمت یک حیوان را ندارند. این رویه عملی تا خرداد ۱۳۹۹ برقرار بود تا اینکه در خرداد ماه مجلس شورای اسلامی با تصویب قانون حمایت قضایی و بیمه‌ای از ماموران یگان حفاظت محیط‌زیست

و جنگل‌بانی این رویه را قانونی کرد و بر اساس ماده یک این قانون محیط‌بانان صرفاً در سه مورد دفاع از خود در برابر خطر جانی از سوی مجرم مسلح، دفاع از خود در برابر خطر جانی جدی از سوی چند مجرم غیر مسلح و نیز دفاع از دیگران در برابر خطر جانی از سوی یک یا چند مجرم اجازه استفاده از اسلحه خود را دارند. این قانون البته یک مورد نیز به موارد مجاز استفاده از اسلحه اضافه کرده که البته تحت شرایط خاص و منوط به شرایطی است. به موجب تبصره یک ماده یک این قانون محیط‌بانان در جریان دستگیری مجرم تنها زمانی اجازه استفاده از اسلحه را دارند که بتوانند اثبات نمایند به جز استفاده از اسلحه راه دیگری برای دستگیری مجرم مشهود را نداشته‌اند. شرطی که در مورد پلیس و ماموران بسیج وجود ندارد.

هراز چندگاهی در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی می‌خوانیم یا می‌شنویم که یک محیط‌بان توسط شکارچیان کشته شده است، چه خلاء قانونی وجود دارد که شکارچی به خودش اجازه می‌دهد که به محیط‌بان شلیک و او را مجروح کند یا به قتل برساند؟

اگرچه عامل اصلی نقض حقوق و قوانین محیط‌زیستی در ایران نبود آموزش و فرهنگ مناسب است اما خلاء قوانین و عدم حمایت مناسب به ویژه در زمینه تضمین قانونی حمایت و حفاظت از محیط زیست و محیط‌بانان نیز نقش مهمی در این زمینه ایفا می‌کند.

پاسخ به اینکه چه اتفاقی می‌افتد که یک شکارچی غیرقانونی به خود اجازه شلیک به محیط‌بانی که صرفاً در حال انجام وظیفه خود است می‌دهد را باید در جامعه شناسی و جرم‌شناسی جستجو کرد. در عین حال همین محدودیت بکارگیری سلاح توسط محیط‌بانان و اطلاع شکارچیان از این محدودیت خود می‌تواند عاملی در این معضل باشد. با این وجود شلیک به محیط‌بانان از سوی شکارچیان جرم بوده و اگر منجر به مرگ محیط‌بان شود قتل عمد محسوب می‌شود. مگر اینکه شکارچی ثابت

کند مرگ محیط‌بان نه قتل عمد بلکه خطای محض بوده است. به این معنی که شکارچی به تصور اینکه محیط‌بان مورد نظریک حیوان است و با تصور اینکه به یک حیوان شلیک میکند به سمت محیط‌بان شلیک کرده که در این صورت مجازات قانونی تعیین شده صرفاً پرداخت دیه خواهد بود.

از سوی دیگر مجازات تعیین شده برای شکار غیرقانونی نیز در ایران ظرفیت لازم برای بازدارندگی را نداشته و اگرچه مجازات سه ماه تا سه سال زندان نیز در قانون (ماده ۶۸۰ قانون تعزیرات) پیش بینی شده اما عموماً افراد با پرداخت جریمه ناچیز به ارتکاب فعل مجرمانه خود ادامه می‌دهند.

در عین حال اما استفاده از اسلحه در برابر مامورین دولتی خود نیز جرم بوده و مجازات دارد. بر اساس ماده ۶۰۷ قانون تعزیرات هرگونه تمرد و مقاومت در برابر مامورین دولتی در حین انجام وظیفه اگر با اسلحه صورت گیرد از یک تا سه سال و اگر بدون اسلحه باشد از سه ماه تا یکسال زندان در پی خواهد داشت.

اگر یک محیط‌بان در حین انجام وظیفه، به یک شکارچی غیرقانونی شلیک کند و باعث مرگ او شود، آیا مجازات خواهد شد؟ اگر آری، چه مجازاتی و چرا؟

از آنجا که محیط‌بانان نیز مشمول قانون بکارگیری سلاح مصوب ۱۳۷۳ هستند در این مورد باید به پیش بینی‌های انجام شده در این قانون مراجعه کرد. بر اساس ماده ۱۳ این قانون اگر ماموران مشمول این قانون با رعایت تمام نکات لازم در آن از اسلحه خود استفاده کنند و در نتیجه این استفاده فرد مجرم بر اثر گلوله جان خود را از دست بدهد، هیچ مسئولیتی متوجه مامور نخواهد بود.

اما اگر به عنوان مثال کشته شدن شکارچی غیرقانونی در نتیجه استفاده غیر مجاز محیط‌بانان از اسلحه و بدون رعایت قانون بکارگیری سلاح باشد، حتی می‌تواند قتل عمد نیز محسوب شود. در مورد محیط‌بانان بار اثبات

خود استفاده کند. حال آنکه در مورد محیط‌بان این آزادی عمل قانونی به مانند دیگر ضابطان قضایی وجود ندارد. اگرچه در قانون جدید حمایت قضایی و بیمه‌ای از ماموران یگان حفاظت محیط زیست و جنگل‌بانی موضوع جبران خسارت برای محیط‌بانان و بیمه آنها مورد تاکید قرار گرفته اما جان محیط‌بانان همچنان در خطر است.

به توجه به اینکه نیروهای انتظامی و محیط‌بانان هر دو با مجرمین و ناقضین قانون سروکار دارند، چه تفاوتی میان این دو نیرو، در استفاده از اسلحه وجود دارد؟

در عمل جدای از تفاوتی که میان ماموران پلیس و بسیج از نظر قانونی وجود دارد (در پاسخ سوال دوم گفته شد) در عمل نیز دستگاه قضایی ایران میان این ضابطان تفاوت قائل است. به عنوان نمونه در عمل رویکرد قضایی نسبت به پلیس و بسیج با تساهل و تسامح بیشتری همراه است. به این معنی که دستگاه قضایی حمایت بسیار بیشتری از ماموران پلیس و بسیج می‌کند تا از محیط‌بانان. حتی در خود سازمان محیط زیست نیز چنین رویکردی وجود دارد. کیومرث کلانتری معاون وقت محیط زیست طبیعی و تنوع زیستی سازمان حفاظت از محیط زیست بهمن ماه ۱۳۹۸ در همین زمینه صراحتاً گفته بود که توصیه این سازمان این است که محیط‌بان مجاز به شلیک به انسان به دلیل تخلفات محیط زیستی نیست. حال آنکه در قانون محیط‌بان هم مانند پلیس و بسیج ضابط قضایی است. در عمل هم دستگاه قضایی جمهوری اسلامی و دادگاه‌ها حتی تا پیش از تصویب قانون حمایت قضایی و بیمه‌ای از ماموران یگان حفاظت محیط زیست و جنگل‌بانی در خرداد ۱۳۹۹ نیز حمایت قابل توجه و موثری از محیط‌بانان نداشتند و در صورت استفاده محیط‌بانان از سلاح خود در شرایطی که خطر مستقیمی علیه خود محیط‌بان وجود نداشت باید پاسخگومی بودند.

مجاز بودن استفاده از اسلحه بر دوش آنها بوده و آنها هستند که باید اثبات کنند که با رعایت کامل قانون از اسلحه خود استفاده کردند.

از لحاظ قانونی چه خلعی در رابطه با حمایت از محیط‌بانان وجود دارد و دولت چه اقداماتی باید در راستای تامین جان محیط‌بانان انجام دهد؟

در شرایط فعلی خلاء اصلی قانونی در زمینه حمایت از محیط‌بانان همین موضوع محدودیت آنان در بکارگیری اسلحه است. این محدودیت در حالی است که طرف مقابل آنها به دلیل شرایط (وضعیت شکار و داشتن اسلحه) کاملاً مسلح بوده و به راحتی می‌تواند از اسلحه



از لحاظ قانونی چه خلعی در رابطه با حمایت از محیط‌بانان وجود دارد و دولت چه اقداماتی باید در راستای تامین جان محیط‌بانان انجام دهد؟

در شرایط فعلی خلاء اصلی قانونی در زمینه حمایت از محیط‌بانان همین موضوع محدودیت آنان در بکارگیری اسلحه است. این محدودیت در حالی است که طرف مقابل آنها به دلیل شرایط (وضعیت شکار و داشتن اسلحه) کاملاً مسلح بوده و به راحتی می‌تواند از اسلحه



ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر

ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: مریم غفوری

تماس با مجله: mail@iranhr.net